



ابوالحسن صبا

شیراز، دانشگاه علوم انسانی و هنر
نگارش روح الله خالقی
رئیس هنرستان موسیقی ملی

رتال جامع علوم انسانی

پدرش کمال السلطنه مردی ادیب و باذوق بود و مصاحبت هنرمندان را
مغتنم میدانست و بموسیقی آشنائی داشت و سه تار مینواخت. ابوالحسن در سال
۱۲۸۱ در تهران بدنیا آمد و پدرش اولین مشوق فرزند بفرآ گرفتن هنر
بود.

خانمی ربابه نام، ندیم عمه صبا بود که تصنیف خوب میخواند و ضرب
خوش میگرفت. او نیز شوق موسیقی را در دل صبا برانگیخت و وی را
بنواختن تمبک آشنا کرد.

پدر صبا علاقه بسیار بموسیقی داشت و چون با استادان هنر مأنوس
بود، میخواست فرزندش از هر خرمنی خوشه‌ای برچیند. این بود که وی

را شاگرد مکتب آنها نمود . ابوالحسن نیز از کودکی با ساز آشنا شد و بنواختن برخی از آنها دلبستگی یافت . سه تار را در محضر میرزا عبدالله ، سنتور را پیش علی اکبر شاهی ، ضرب را از حاجی خان ، کمانچه را از حسین خان اسمعیل زاده و ویولن را از حسین خان هنگ آفرین فراگرفت و بعد از اینکه باین سازها آشنائی یافت شاگرد درویش خان شد و در تکمیل سه تار همت گماشت .

صبا علاوه بر موسیقی بتشویق پدر با هنرهای دیگر نیز آشنا شد . چنانکه چندی بمدرسه کمال الملک رفت و نقاشی کرد . ذوق مخصوصی بنجاری داشت و در کار گاه کوچکی که در خانه فراهم آورده بود باین صنعت نیز مشغول بود و چند ویولن و سه تار ظریف ساخت . مدتی در قورخانه کار میکرد و سوهان کاری را بخوبی آموخت . علاقه بسیار بنویسندگی داشت و خط شکسته را خوش مینوشت .

تحقیقات صبا در مدرسه امریکائی انجام گرفت و زبان انگلیسی را در آنجا فراگرفت ولی دوره مدرسه را بی پایان نرسانید و سرگرمی های مختلف هنری مجال تحصیل بیشتر باونداد ولی همواره جویای دانش بود و در اوقات فراغت از مطالعه علم نیز باز نمی نشست چنانکه اطلاعات عمومی او باندازه کافی مایه گرفت .

صبا آنقدر برای فرا گرفتن ساز مستعد بود که نواختن هر سازی را شروع میکرد در اندک زمانی آنها را فرا میگرفت . چندی هم نی و فلوت و تار و ویولن سل نواخت و بطور کلی با اکثر سازها آشنا بود . هرچند وی در همه سازها استادان زبردست داشت ولی بزرگترین هنر آموز او طبیعت بود . صبا هرچه می شنید با دقت گوش میداد و بتقلید آن در روی سازها همت میگماشت و استعداد خداداد را که بعد کمال داشت راهنمای خود قرار میداد . در سال ۱۳۰۲ که استاد علینقی وزیر از اروپا بایران بازگشت و مدرسه عالی موسیقی را تأسیس نمود ، صبا از اولین شاگردانی بود که قدم باین مکتب نهاد و در اندک زمان مورد مهر استاد واقع شد . وزیر را میتوان آخرین استاد صبا دانست . صبا درین مدرسه باصول و قواعد علمی موسیقی هم آشنا شد و بنظریات فنی وزیر مانوس گردید و درموز بسیار

دیگری را درك کرد و كاملا پخته و آزموده از كار درآمد .

وقتی ار کستر مدرسه تشکیل شد، صبا ویولن اول و سولیست ار کستر گردید . در سال ۱۳۰۴ که شاگردان مدرسه زیاد شدند ، وزیرى جمعى از آنها را بصبا سپرد و اولین کلاس صبا در مدرسه تأسیس شد .

در فروردین ۱۳۰۶ وزیرى تصمیم گرفت با هیئت ار کستر مدرسه مسافرتی کند . صبا هم با ما درین جمع شرکت کرد و برشت و پهلوی رفتیم و کنسرتهاى دادیم . مردم گیلان بساز صبا علاقه بسیار یافتند و از وزیرى خواستند که مدرسه‌ای هم در رشت تأسیس کند . وزیرى مقدمات این کار را فراهم کرد و صبا بنام رئیس «مدرسه صنایع ظریفه» در رشت ماند و دو سال بتربیت شاگردان همت گماشت ولی هوای مرطوب بمزاج او نساخت و ناچار بتهران بازگشت . اما مردم گیلان کمال علاقه را باو داشتند و هر وقت بآن صفحات سفرى میکرد مقدمش را گرامی و عزیز میسرودند . صبا ازین سفر تحفه ها آورد که چند آهنگ محلی از آن جمله بود .

در اواخر سال ۱۳۰۶ که برای اولین بار از ار کستر مدرسه صفحات موسیقی ضبط شد . صبا جزء هیئت نوازندگان بود که علاوه بر نوازندگى در ار کستر چند سولوی کوتاه هم در ضمن این صفحات نواخت و آنقدر جذاب و شیرین بود که هنوز هم بتقلید او از زیر پنجه ویولن زنها بگوش میرسد ولی در ساز صبا قدرت و اثر دیگر نیست که تقلید کنندگان بآن پایه هنرى نرسیده اند .

با اینکه وزیرى را عادت نبود که از شاگردانش تمجید کند ولی مکرر اتفاق افتاد که استعداد صبا را با شگفتی تحسین میکرد و ساز وی را بدقت گوش میداد و از آن لذت میبرد .

صبا از سال ۱۳۱۰ کلاس خصوصی خود را در منزل خویش دائر کرد و تا پایان زندگى از تعلیم نوباوگان وطن بساز نشست و همواره بتدریس موسیقی اشتغال داشت . کار اصلی او آموزش ویلن بود ولی هر گاه شاگرد مستعدى مییافت بتعلیم آواز و سنتور نیز همت میگماشت . در آغاز کار روش تدریس او چنین بود که شاگرد را با اصول نت خوانی آشنا میکرد و پس از يك دوره مختصر تمرینات اولیه نواختن آوازا را شروع میکرد .

آوازه‌ها را آن‌طور که خود مینواخت نوشت نه آن چنانکه معمول ردیف‌قدیم بود. توضیح اینکه قدما در تعلیم ردیف، پای‌بند اساس موضوع بودند و ردیف را بتفصیل تدریس میکردند ولی صبا تشخیص داد که تکرار مکررات نوآموزان را خسته و کسل میکند. این بود که آنچه صبا درس میداد در حقیقت بروش «ردیف مجلسی» بود که استادان قدیم مینواختند. در واقع ردیف او این امتیاز را دارا بود که اگر خوب اجرا شود در حضور جماعت هم قابل نواختن است. بعدها صبا تصمیم گرفت ردیف ویولن خود را بچاپ رساند و شاگرد باوفا و پرکار و رفیقش «لطف‌الله مفخم پایان» این کار را بعهده گرفت و دو جلد کتاب ویولن صبا بنام ردیف اول و دوم یکی در چپ کوک و دیگری در راست کوک با کوشش مفخم بچاپ رسید و شاگردان از زحمت رو نویسی کردن آسوده شدند. این دو کتاب تا کنون چند بار تجدید چاپ شده و مورد استفاده هنرجویان ویلن قرار گرفته است. کتاب سوم هم شامل چند آهنگ و چهار مضراب از ساخته‌های صباست که بعداً بچاپ رسیده و کار هنری صبا در ویولن کاملاً در اختیار هنرجویان قرار گرفت.

صبا در تعلیم ساز معتقد بود که اجرای تمرینات و گام، برای نوآموز اسباب خستگی خاطر است بهمین جهت شاگرد را در اندک زمانی بنواختن آواز مشغول میکرد و میگفت بتجربه ثابت شده است که با این رویه توفیق بیشتری میتوان یافت. این نظر را استادش و زبیری نمی‌پسندید و مکرر در این زمینه بحث میشد ولی صبا در عقیده خود ثابت قدم بود هر چند اخلاقاً گفته استاد را هم تکذیب نمیکرد. شاید بگویند صبا این راه را برای این انتخاب کرده بود که شاگرد تشویق شود و با اشکالات کار از میدان در نرود ولی رویه و اخلاق صبا طوری بود که اگر بجز این روش بمکتب تمرینات هم بساطناً معتقد بود میتوانست شاگردان را وادار بکار نماید چه شاگرد را زود مجذوب خود میکرد ولی او نظر خود را قطعی میدانست و همان را دنبال میکرد و با این که خود چندی با متدهای اروپائی ویولن کار کرده و قوت و مایه سازش را هم از همان تمرینات بدست آورده بود ولی اعتقاد داشت که نواختن متدهای فرنگی و مبالغه در تمرینات و اتودها و گامها دست نوازنده را برای نواختن موسیقی ایرانی خشک و بی‌نمک میکند هر چند بتجربه میدید که اگر این عیب

رداشت شاگرد را بعدها برای نواختن قطعات ضربی و شرکت در ارکستر آماده تر میکرد.

در هر حال سبک صباچنان همه را مجذوب کرد که تمام کسانی که امروز موسیقی ملی ما را با ویولن مینوازند تابع او هستند یعنی مستقیم و غیرمستقیم شاگرد مکتب وی بشمار میروند. درحقیقت میتوان گفت که صبا موجب رواج بازار ویولن در ایران شده است. وقتی برخی میگفتند ساز ملی آرشه ای ما کمانچه است و باید موسیقی ملی را با آن نواخت، او میگفت: «ویولن کامل تر است و من آنرا برای اجرای موسیقی ایرانی بسیار مناسب میدانم و معتقدم که نباید تعصب بیهوده داشت چنانکه عربها هم همین کار را کرده اند و ویولن یکی از ارکان موسیقی ملی آنهاست.» او هر چند خود کمانچه می نواخت و بر موز این ساز ملی کاملاً واقف بود ولی میگفت: «قدرت و صدا داری ویولن بیشتر و نواختن آن راحت تر است و تمام خواص و کیفیات موسیقی ایران را میتوان بخوبی در این ساز نشان داد و ما باید امروز این ساز بین المللی را ساز ملی خود هم بگوئیم زیرا عهد و جواب گویی احساسات درونی ما بخوبی برمیآید.»

این را نیز باید گفت که سبک ویولن صبا مخصوص خود او بود و بروشی که قبل از وی ویلن میزدند شباهت نداشت چه پیش از بوجود آمدن سبک صبا، نوازندگان ویلن، از روش کمانچه تقلید میکردند و آرشه های مختلف و پوزیسیونهای صحیح در ویولن مرسوم نبود ولی صبا در اثر آشنائی با متدهای فرنگی و تعلیمات استادش وزیر، روش خاصی بدست آورد که بسبک علمی ویولن نزدیکتر بود و مخصوصاً در اجرای تکیه ها دقت کافی داشت و روش نامنظم شلوقی را که از کمانچه مایه میگرفت کنار گذارد ولی در این روش، با ارتعاش انگشتان دست چپ توجه زیادی مبذول نشد و در این جا هم صبا معتقد بود ارتعاش زیاد با حالت موسیقی ما جور در نمیآید. این بود که ساز او در قسمت زیر بغلوت نزدیکتر میشد و این رویه را خود بیشتر می پسندید. در هر صورت تنها سبک معمول این زمان است بطوری که وقتی ساز صبا را شنیده باشیم بخوبی درک می کنیم که نوازندگان دیگر چیزی نوتر از او ندارند. همه همان را مینوازند که صبا اجرا کرده است و باید گفت که هنوز

پس از صبا کسی را نمی‌یابیم که برای اجرای نغمات ملی ایران در ویولن قدمی از وی درین راه جلوتر گذاشته باشد. هر چند کم و بیش در ویولن بعضی از نوازندگان، راهی برای نوجوئی بگوش می‌خورند: مانند ارتعاش بیشتر یا ناله کمتر و کشش‌های زیاده‌تر، اما آنچه مسلم است هنوز پختگی کامل نیافته ولی راهیست که امیدواری حاصل است شاید بعدها بجائی برسد. آنها که فعلاً بسبک صبا ویولن‌میزنند بیشتر در دل شنوندگان جا میگیرند زیرا زحمت را استاد کشیده و آنها ثمر درخت تربیت وی را می‌چینند و شك نیست که ابداع راه و رسم جدید، همیشه در کارهای هنری بس دشوار است و بی‌جهت نیست آنها که موجد روش نو هستند قدر و ارزش بسیار می‌یابند و بهمین مناسبت باید در یک جمله گفت که روش استاد صبا امروز تنها راهیست که نوازندگان موسیقی ملی ویولن آنرا تعقیب میکنند و شك نیست که موجد این سبک در نظر همه ارجمند و عزیز است.

صبا در مکتب ویولن خویش شاگردان بسیاری تربیت کرد که ذکر نام همه آنها موجب طول کلام است و بنظر نگارنده مهدی خالدی و علی تجویدی از برگزیدگان این مکتب بشمار می‌آیند.

صبا سه‌تار دلبستگی خاص داشت و آن را نیز خوش مینواخت و به تکنیک این ساز آشنائی کامل داشت ولی درین قسمت شاگردی تربیت نکرد او به سنتور نیز علاقه داشت و چون با حبیب سماعی بسیار مأنوس بود از روش او استفاده کرد و حتی وی را بدائر نمودن کلاس سنتور تشویق نمود و بعد از فوت سماعی چون علاقه مردم را که در اثر شنیدن ساز حبیب باین ساز زیاد شده بود بخوبی دریافت درصدد برآمد کتابی برای سنتور تهیه کرده در دسترس طالبان هنر بگذارد. کتاب سنتور او شامل دو آواز شور و سه‌گانه بود که چند سال قبل با کمک وزارت فرهنگ بچاپ رسید و در سال گذشته نیز قسمت دوم را که شامل چند آواز دیگر است بطبع رسانید و وسیله‌ای برای پیشرفت و در اختیار نوازندگان سنتور گذارد. علاوه بر این چند شاگرد هم درین ساز تربیت کرد. یک هفته قبل از فوتش که در هنرستان موسیقی ملی راجع بسنتور بایکدیگر مذاکره میکردیم با استاد گفتم فرامرز پایور در سنتور پیشرفت شایان کرده است. گفت آری بهترین

شاگرد من است .

صبا میگفت ردیف مخصوصی برای خواندن آواز تهیه کرده که بچاپ آن موفق نشد . درین رشته نیز شاگردانی از محضرش استفاده کرده‌اند ولی شاید هیچیک هنر خود را تکمیل نکردند و از بهترین آنها باید از «ملکه» نام برد .

صبا بحفظ و ضبط آثار قدیم موسیقی علاقه بسیار داشت . هر گاه آهنگی نومی شنید دست بیادداشت میبرد . روزی درویشی از کوچه میگذشت و بسبکی خاص مثنوی میخواند که آن شیوه را تا آن زمان نشنیده بود . آنقدر او را دنبال کرد تا آهنگش را بخاطر سپرد و نوشت . هنگامی که در گیلان بود و برای گشت و تفریح بمزارع اطراف میرفت ، هر نغمه دلپسندی می شنید به تقلید آن همت می گماشت . آهنگهای « زرد ملیجه » و « گوسفنددخان » و « دیلمان » و « کوهستانی » که در کتابهای خود نوشته و بچاپ رسانیده از آن جمله است .

سالها با « عبدالله دوامی » مانوس بود تا توانست تصنیفهای قدیمی را که او بخاطر داشت و میخواند یادداشت کند . این مجموعه یکی از آثار ذی قیمت موسیقی قرن اخیر ایرانست که صبا در گرد آوردن آن زحمت بسیار کشیده و آنرا برای چاپ آماده کرده است . چاپ این تصنیفها خدمت بزرگی بانتشار موسیقی اصیل ایران خواهد بود که امیدوارم بهمت هنرهای زیبای کشور جامعه عمل پیوشد .

صبا مردی فروتن و خوش محضر و شوخ طبع و ملایم بود . با هر مزاجی میساخت و کمتر کسی از او میرنجید . در سخن اظهار نظر قطعی نمیکرد و از رویه دیگران تکذیب نمی نمود ولی در سالهای اخیر گاه دیده شد که احساس غرور میکرد و در موارد فنی جز نظر خود عقاید دیگر را نمی پذیرفت شاید هم حق داشت زیرا استادی جامع چون خود نمیدید .

از سال ۱۳۱۸ که رادیو تهران تأسیس شد در صف اول نوازندگان بود و شاید نوازهای رادیویادگاری ممتاز از ساز او باشد . در سال ۱۳۲۰ بخدمت وزارت فرهنگ در آمد و در کلاس اکابر هنرستان عالی موسیقی

سمت هنرآموزی یافت . از سال ۱۳۲۸ هم استاد هنرستان موسیقی ملی شد و درین هنرستان نیز شاگردان خوبی تربیت کرد که بهترین آنها نصرت‌الله گلپایگانی است . در هنرهای زیبای کشور هم فعالیت او از چند سال باین طرف عبارت از سرپرستی ارکستر شماره یک بود و برای جمع‌آوری و تنظیم ردیف کامل باشرکت علی‌اکبر شهنازی و نورعلی برومند و موسی معروفی و نصرالله زرین پنجه مشغول کار بود که متأسفانه هنوز برای چاپ به نتیجه نهائی نرسیده است .

صبا بسیار خون‌گرم و زود آشنا بود و بهمین جهت دوستان بسیاری داشت . از میان موسیقی‌دانها علاقه بسیار بمرحوم طاهرزاده و مرحوم حبیب سماعی داشت و با نورعلی برومند که از موسیقی‌دانهای کمیاب این زمان است خیلی مانوس بود . حسین طهرانی را که در ضرب شاگرد خودش بود بسیار دوست میداشت و در شب جمعه ۲۹ آذر ۱۳۳۶ دو بعد از نیمه شب هنگامی که حسین در کنارش بود جان بجان آفرین تسلیم کرد و جامعه هنری ایران را از این ضایعه اسفناک غرق اندوه و غم نمود . صبا رفت ولی یادگارهای بسیار از خود گذارد که همواره مورد استفاده اهل ذوق و هنر خواهد بود . وی هر چند بسیار زود در گذشت اما خدمتی بسزا بموسیقی ملی ایران نمود و آیندگان همیشه از او به نیکی یاد خواهند کرد چه او عمر خود را وقف خدمت در راه هنر کرد که این خود بهترین یادگار هنرمند است .

مجله موسیقی در شماره آینده مقاله‌هایی در باره
جنبه‌های مختلف شخصیت هنری استاد فقید بوالحسن
صبا بخوانندگان خود عرضه خواهد داشت .